

چهارشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۸ ۷ ذی القعدة ۱۴۴۰ ۱۰ جولای ۲۰۱۹

اخبار

سرگذشت عصار خان‌ شاهانه‌ای

که موزه شد

استفاده از روغن‌های گیاهی برای هزاران سال بخشی از فرهنگ ایرانی‌ها بوده است. آنها با زیرکی خود از طبیعت اطرافشان برای پاسخگویی به نیازهای روزمره زندگی بهره می‌گرفتند.دانه‌های روغنی را که کم و بیش می‌گرفتند، کشت پذیر و در دسترس بودند، در همه جا کشت پذیر و در دسترس بودند، می‌کاشتند تا با بیرون کشیدن روغن آنها چراغ‌های روغن سوزشان را روشن کنند. رفته رفته دستگاه‌ها و ساز و کارهایی ساخته شد تا روغن فراورد را آنجا که می‌شد، کوتاه‌تر و راحت تر کند و به این ترتیب سامانه‌ای برای به دست آوردن روغن شکل گرفت که اگرچه در کنار ماشین و فنآوری‌های امروزی، بسیار ساده به نظر می‌آید اما در زمانه خود بسیار کارآمد بوده اند. به مکان‌هایی که روغن این دانه‌ها را می‌گرفتند معمولا عصارخانه می‌گفتند. بیشتر روغن‌های تولید شده در عصارخانه برای روغن چراغ بود اما مصارف پزشکی استفاده برای صابون و رنگ‌های جلا دهنده و خوراک از کارکردهایی بود که روغن‌های تولیدی عصار خانه ها داشتند. شهر اصفهان دو عصارخانه دارد یکی از آنها در نزدیکی میدان نقش جهان واقع شده که اکنون کاربری موزه دارد.

عصارخانه شاهي در دوران صفويه به دستور شاه عباس اول ساخته و درآمد آن وقف مسجد جامع عباسی شد. بخش‌هایی از این مجموعه مانند پیشخوان و بارانداز به مرور زمان تخریب شده و شترخان (اصطلح) این مجموعه نیز تغییر کاربری داده شده است. به این ترتیب در حال حاضر با ورود به عصارخانه سالن اصلی (تیرخانه) و انبار در طبقه اول و گرمخانه و اتاق‌های مهمان در طبقه دوم قابل بازدید است. در دوران آخر فعالیت عصارخانه، برخی دانه‌های غیروروغنی مانند زردچوبه در این مکان آسیاب می‌شد.

فضای اصلی عصارخانه از دو بخش تیرخانه و آسیاب تشکیل شده است. برای تهیه روغن دانه‌های روغنی مانند کرچک، کنجد، خشخاش و گلرنگ با آسیابی که شتر یا گاو توموندی آن را می‌چرخاند، خرد می‌شد.

در بخش انبار که معمولاً خنک‌ترین بخش ساختمان عصارخانه بود خمره‌های روغن نگهداری می‌شد. برخی از خمره‌ها نیز در حفره‌هایی که در دیوار تعبیه شده بود محافظت می‌شد و روی آن را با درپوش‌های چوبی می‌پوشاندند. این انبار همیشه برای حفظ کیفیت روغن تازیک بود.

همچنین خریداران روغن که از شهرهای دیگر با ای خرید به عصارخانه شاهی می‌آمدند، در اتاق‌هایی که به عنوان مهمانخانه درطبقه بالای ساختمان ساخته می‌شد، استراحت می‌کردند.

برای حفظ دانه‌های گیاهی آن را در محل دور از رطوبت نگهداری می‌کردند که به این گرمخانه می‌گفتند. در این بخش برخی ازدانه های گیاهی مانند کنجد و خشخاش نیز بود داده شده و برای مرحله آسیاب آماده می‌شد.

در فضای بیرونی عصارخانه که کاملاً متفاوت و امروزی است تعدادی از نسخ قدیمی شهر اصفهان به نمایش گذاشته شده است از جمله زندگی نامه کسی که این عساری را اداره می‌کرده در این یادنامه آمده: مرحوم حاج عباس پور عصار در سال ۱۲۸۶ شمسی در اصفهان متولد شد. در سال ۱۳۲۵ به پیروی از شغل پدر و اجدادش که همگی در محل فعلی عصارخانه و اجدادش شریک سابق پدرش تصدی و اداره این عصارخانه را به عهده گرفت. از همان ابتدا به دلی داشتن مهارت‌های فنی تصمیم به ساخت دستگاه مکانیکی به جای روش سنتی گردش سنگ بزرگ عساری (وسیله اصلی آسیاب دانه‌های روغنی) توسط شتر و طراحی و ساخت موتور الکتریکی (بالابر تیر بزرگ عساری (وسیله اصلی روغنی گیری از دانه‌های روغنی) برای جایگزینی سه نیروی کار کرد.

او به دلیل ساخت این دستگاه‌های الکتروموتور و خلاقیت و نوآوری باعث جیرت همگان به ویژه همکاران عصار و جدتی گردشگران خارجی که این مکان بازدید می‌کردند شده بود و بنا به درخواست همکارانش تعداد زیادی از این دستگاه‌ها را به عصارخانه ها و حساسی‌های دیگر در اصفهان کاشان و یزد و نجف آباد و تهران راه اندازی کرد. در سال ۱۳۴۳ به علت بازندگی زیاد در اصفهان سقف قسمت‌هایی از شترخان و محل سباز عصارخانه که جایگاه جمع آوری فاضلاب جحمام شاه بود، تخریب شد و او به پیشنهاد منولی و سرپرست اداره واقف با هزینه شخصی اقدام به احداث پاساژ در مجاورت عصارخانه فعلی کرد. ولیکن پس از گذشت دو سال از اتمام ساختمان و چند روز پس از بازدید آن توسط مقامات برجسته دولتی اصفهان وتهران، به علت عارضه قلبی در سال ۴۷ درگذشت.

ساعت بازدید از موزه عصارخانه شاهی شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۶:۵۰ و پنجشنبه‌ها از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۵:۵۰
ساعت هزینه بلیت آن نیز توسط شهرداری اصفهان چهار هزار و ۲۰۰ تومان تعیین شده است.



دو روایت ناکام از پایداری یک جشنواره ادبی

هفته گذشته و در آستانه برگزاری هفدهمین دوره جایزه ادبی قلم زرین، خبرگزاری مهر با انتشار و یادداشت به نقد رویکردهای این جایزه پرداخت. در این دو یادداشت مواردی انتقادی از رویه حاکم بر این جایزه ادبی نقل شده هشدار داده بود. متعاقب انتشار این دو یادداشت روز گذشته احمد شاکری سرداور بخش ادبیات داستانی این جایزه در یادداشتی به مطالب مندرج در این دو متن واکنش نشان داد. با وجود اینکه این یادداشت حاوی اتهاماتی ناروا علیه خبرگزاری مهر و تحریریه فرهنگی آن است اما عطف به باور این رسانه به درج نظرات مختلف درباب مسائل فرهنگی، متن آن را به صورت کامل برای خوانش و قضاوت مخاطبان خود منتشر می‌کنیم:

یکی از خبرگزاری‌ها در سیزدهم تیرماه سال جاری و تنها یک روز مانده به برگزاری آیین اختتامیه هفدهمین جشنواره قلم زرین، یادداشتی با عنوان «متر و شاقول قلم زرین از کدام جنس است؟» به قلم محمد حقی مدیر نشر کتابستان معرفت منتشر کرد. این خبرگزاری پیش از این با انتشار یادداشتی بدون ذکر نام نویسنده، با عنوان «قلم زرین جریان ساز ادبیات متعهد انقلاب اسلامی؟» در ۱۱ تیر ماه، به برگزاری جشنواره قلم زرین واکنش نشان داده و آن را در رسیدن به اهداف مدن نظر خود ناکام ارزیابی کرده بود. نگارنده، که در دوره هفدهم، سردآوری بخش داستان بزرگسال این جشنواره را بر عهده داشته، از فرصت پدید آمده در پی طرح موضوعاتی چند در این دو یادداشت استقبال کرده، نکاتی را بیان می‌دارد.

استقبال از نقد و مواجهه آگاهانه، منصفانه و روشنگرانه در قبال آن، از جمله کم بود ها و کم بودهای واقعی حوزه ادبیات داستانی بخصوص از سوی مدیران و برنامه ریزان و مسئولان دولتی و غیر دولتی آن است. شکل گیری پرسنگری و اهتمام به پاسخگویی، فارغ از توافقی یا عدم توافق طرفین یا اطراف بحث، زمینه را برای شکل گیری گشتگوی سازنده و پویا و خروج از حاشیه پردازی و حاشیه سازی و بنا نهادن منطق علمی فراهم می‌آورد. جا دارد رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها مسائل اصیل اهداف بر زمین مانده جریان ادبیات داستانی متعهد را در جریانی قوی، از مسئولان ذی ربط مطالبه نمایند. عدم برخورداری از پشتوانه علمی و پژوهشی، عدم ارتباط گیری موثر و سازنده با محیط های علمی و دانشگاهی، محلل گرایي، کم کاری، عدم زدگی و نگاه سطحی و ژورنالیستی از سویی و عدم پاسخگویی برخی مدیران و برنامه ریزان و سیاست گذاران حوزه ادبیات داستانی از سوی دیگر این فرایند را با چالشهای جدی مواجه ساخته است. جشنواره‌ها تنها یکی از برنامه های متصور و متوقع در حوزه ادبیات داستانی در کشورند که در لابی‌که در جای خود باید بدان پرداخت، در کلبه فضای ادبی کشور به برجسته ترین، پرشمارترین، و اولویت دار ترین برنامه ادبی تبدیل شده اند. لذا مسئله شناسی تکثیر و تنوع جشنواره های ادبی در این کشور، موضوعی، دچار بچران هویت به دلیل عدم تعیین دقیق کارکردها و اهداف متناسب با واقعیت های موجود ادبیات کشورند. این سرگردانی و تحیر در مخاطبان و طبعاً منتقدان این سرگردانی‌ها نیز مشاهده می‌شود. زیرا این طیف نیز، نوعاً تنها بر اساس انتظارات و توقعات محدود خود به سراغ جشنواره ها رفته تئوری متوازن و مشابهی در تبیین جشنواره های ملی و بومی ندارند. منطقی است که در چنین شرایط بلاتکلیفی که مجموعه های دولتی و غیر دولتی، خصوصی و شبه خصوصی، توش و توان و سرمایه مادی و معنوی خود را صرف برگزاری جشنواره ها می‌کنند، اینگونه توقع شود که جشنواره بیش از آنکه باید و شاید، بدل المسائل حوزه ادبیات در کشور است. در حالی که طرح مطالبات متعدد و سرریز مسائل خرد و کلان حوزه ادبیات-بخصوص ادبیات داستانی- بر سر جشنواره ها نتیجه یک غفلت بینی مفرط درباره کارکرد جشنواره ها و بخش تیرباره علل و اسباب مسائل مختلف در این حوزه است. بنابر این جشنواره ها می توانند به عنوان یک تکه از پازلی چند ده قطعه ای مورد مطالعه قرار گیرند در این صورت است که می توان گفت:دقیقاً کاردهای جشنواره را در نقد واقعی آن دنبال کرده و سهم هر یک از ارکان ادبیات در کشور را در پرسنگری ملحوظ داشت. نتیجه این تفکیک و تمایز، آن خواهد بود که معضلات جریان ادبیات در کشور از جمله مقوله نشر امع از «به حینت کاغذ و رنگ و جوهر و چاپ و …» ، «به حسبات جشنواره نوشته نشود. جناب حقی به اقتضای فعالیت و حوزه کاری شان به عنوان ناشر در یادداشت «متر و شاقول قلم زرین از کدام جنس است؟» از زاویه نشر به این مسئله توجه کرده و ابعاد دیگر را نادیده گرفته اند.

هر یک از حوزه های نشر، ترجمه، توزیع و حتی تبلیغ، مسائل خاص خود را دارند و حتی جشنوار ها در مهمترین کارکرد خود یعنی تبلیغ آثار، مبسوط الید و در تاثیر خود تام و تمام نیستند. واضح است که به عنوان مثال حتی با معرفی چند ده اثر از میان چند هزار اثر به عنوان نامزد بخش داستان در جشنواره ای چون قلم زرین –که امری غیر معقول و غیر متداول است- انتشار نشان رود مشکلات نام برده در پیشینگی یادداشت ایشان حل شود. نکته دیگری که در همین بخش از یادداشت بر آن تأکید شده، خطل آثار ترجمه ای است.

البته معضل و ففور آثار ترجمه ای غیر همسو با فرهنگ و ارزشهای ملی و دینی مسئله ای جدی برای ادبیات داستانی کشور قلمداد می‌شود. اما معیار اصلی که این معضل را با اهمیت می‌سازد، جهت فکری و فرهنگی است که در آثار داستانی دنبال می‌شود. مشکل جریان متعهد به انقلاب با آثار ترجمه ای صرفاً ترجمه ای بودن آن نیست. چه بسا آثار ترجمه ای که ارزشهای انسانی و الهی را

امتیاز

روزنامه‌صبح‌ایران



ترویج می دهند. معضل معیار پیش گفته، حجهه به فرهنگ و اندیشه ملی و دینی است. با لحاظ این ملاک، نه تمامی آثار ترجمه ای مطرود و نه تمامی آثار تالیفی مقبول خواهند بود. هدف جایزه قلم زرین حمایت و معرفی بهترین اثر تالیفی متعلق به جریان متعهد به انقلاب و دفاع مقدس است نه تمامی یا حتی عمده یا بخشی از این آثار. سازوکار جشنواره سال و انتخاب بهترین اثر از میان آنها است. این سازوکار واجد محدودیت های در معرفی برخی، بلکه اغلب، چه رسد به تمامی آثار منتشره متعهد در طول یک سال دارد. کاملاً بدیهی است انتخاب آثاری به عنوان نامزدهای یک دوره، نفی معادا نکرده به عنوان غیر متعهد بودن یا کاملاً بی ارزش بودن آثار معرفی نشده در میان نامزدان یا آثار غیر برگزیده نیست. اما حمایت از آثار تالیفی همسو یا جریان فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی نه باسازوکار برگزاری جشنواره و اعلام اسامی نامزدهای بخشهای آن که سازوکارهای دیگری در حوزه تبلیغ و توزیع و جریان نقد می‌طلبد.

مطلب دیگری که در این یادداشت مغفول واقع شده مفهوم «حمایت» است. حمایت مراتب، انواع و متعلقی خواهد داشت. طبعاً معرفی دو اثر در بخش داستان بزرگسال به عنوان آثار تقدیری، در جهت حمایت از ادبیات متعهد ارزیابی می‌شود. اما این انتظار که جشنواره ای چون قلم زرین، از دهها اثر تولید شده در جریان ادبیات داستانی انقلاب حمایت کرده و آنها را به عنوان نامزد یا برگزیده معرفی کند امکان پذیر نیست. نتایج اعلام شده در این جشنواره، هر ساله با انتشار فراوانی در رسانه های عمومی از شخصیت های حقیقی و حقوقی صاف و بی ابوجهایی از وضعیت موجود در ادبیات کشور به نمایش می‌گزارد. جشنواره قلم زرین در معرفی آثار داستانی، بجز چند نامزد، بجز چند مقاله، بجز چند نقد و تقریر و عدم معرفی برگزیده، تلاش داشته تا واقعیت ادبیات داستانی را بدون حب و بغض و بدون دخالت جهت گیری های سلیبکی یا اغراق بازتاب دهد. اینکه آثار داستانی ناشری متعلق به جریان امثال انقلاب اسلامی به سمت ادبیات زرد تامل پیدا کرده

است و از حداقل های وجوه فنی و محتوایی لازم برای معرفی در مقام تقدیر یا برگزیده محروم شده، سیاست گذاران ای ناشر یا مجموعه مربوطه را مورد سؤال قرار می‌دهد. اینکه موسسه ای در پی اطلاع یافتن از مبانی ادبی انقلاب اسلامی و با فاصله گرفتن از معیارهای اصیل ادبیات انقلاب مرزهای اعتقادی را مخدوش می‌سازد واقعیتی است که عدم معده چنین اثری در حوزه جشنواره قلم زرین بازتاب دهنده آنها است. آنچه ادبیات داستانی امروز بدان نیازمند است ارائه تصویری واقعی از وضعیت موجود است. بر این اساس حتی عدم معرفی اثری در یک دوره از جشنواره به عنوان برگزیده خود قضاوت مشخصی درباره آثار داستانی سال مورد بررسی است. نویسنده یادداشت می‌اورد: «این وسط، حاکمیت، شبکلیاتی را مورد حمایت قراردادن و بوجه دولتی در اختیارشان می‌گذارد که از این نویسنده و اثر و ناشر حمایت کند.» طبق اعلام ریاست هیئت مدیره انجمن قلم، نهایت حمایت مالی وزارت ارشاد از این جشنواره که یکی از پایدترین جشنواره های ادبی است و برابند نظر جمعی حدوداً سیصد نفر از نویسندگان و شاعران متعهد انقلاب اسلامی است از سی میلیون تومان تجاوز نمی‌کند. و این مبلغ بسیار کمتر از هزینه ای است که برای برگزاری حداقلی چنین جشنواره ای در صدد بخش و با در حضور بیش از پانزده دار و بررسی صدها اثر نیاز است. همین بوجه گند نیز، نه برای مطلق حمایت از ناشران و نویسندگان، که صرفاً برای برگزاری جشنواره و اهدای جایز به برگزیدگان آن در نظر گرفته شده است. آشنایی و مرور فعالیت های انجمن قلم ایران نشان می‌دهد برخی برنامه های این انجمن از جمله طرح انتشار آثار پیشکسوتان، اساساً با بدعهدی ارشاد عملاً با اختلال مواجه شده است. اگر بتوان مصداقی برای کم کاری مجموعه های که ردیف بوجه دولتی داشته و امکانات بیشتری در اختیار انجمن قلم دارند نام برد، قطعاً بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان در صدر این فهرست خواهد بود. کافی است میزان حق الزحمه داوری و مبلغ جایزه تعلق گرفته به برگزیدگان جایزه جلال ال احمد را با تقدیری های قلم زرین مقایسه کنید. یا حق الزحمه دبیر جایزه قلم زرین را با حق الزحمه دبیر اجرایی و علمی جایزه جلال بسنجید تا مشخص شود چه مجموعه هایی باید درباره حمایت های دولتی و بوجه های بیت المال پاسخگو باشند.

در ادامه یادداشت، نویسنده پس از عبور از مقدماتی مخدوش، جشنواره قلم زرین را متهم به بی انصافی کرده مدعی می‌شود: «متر و شاقول حضرات از کدام جنس است؟! از بین شش هزار بررسی ادعایی فقط ۵ کتاب یعنی ایتک در ادبیات ایران خیری نیست که نیست؟» نویسنده با قطعی تصور کردن پیش فرض خود مبنی بر اینکه در آثار داستانی سال ۹۷ تعدادی بیش از ۵ اثر صلاحیت معرفی داشته اند داوری بخش داستان را مخدوش می‌داند، در حالی که برای مدعای خود هیچ دلیلی اقامه نمی‌کند. بلکه تنها تلاش دارد با یک مقایسه کمی بی مبنا، مخاطب را قانع کند که حتماً از میان شش هزار اثر بیش از پنج کتاب ارزش نامزد شدن با برگزیده شدن را دارند! منطق «انصاف» در بیان گوینده آن است که باید نسبتی میان آثار منتشره و آثار تقدیر شده یا نامزد شده وجود داشته باشد. مثلاً اگر در یک سال شش هزار اثر دیده شده باشد باید یک صدم آنها (۶۰ اثر) نامزد جشنواره شوند! اما این نسبت سنجی با چه منطقی قابل دفاع است؟

کننده اند و نمرات برگه های ارزیابی به اندازه کافی گویا نبوده بعضاً ممکن است موجب سوء تفاهم شوند. بنابر این، گروه داوری بخش داستان هفدهمین جشنواره قلم زرین امادگی خود را برای برگزاری جلسات نقد درباره آثار نامزد در بخش داستان و حتی مهمترین آثار داستانی منتشر شده در طول سال با مشارکت ناشران و مجموعه های ادبی اعلام می‌دارد. اما به راستی آیا قلم زرین راه نفس ناشران و نویسندگان را بست است؟! یا این بی برنامگی و سیاست های یکتا بام و هوای مدیران ادبیات است که راه تنفس ادبیات متعهد را بسته است؟ آیا جشنواره قلم زرین گلوی ادبیات را بی فشارد یا این ادبیات شبه روشنفکری و جریان نفوذی تابع آن هست که با الوده و مسموم ساختن فضای ادبیات داستانی، حیات معنوی این شجره طیبه را تهدید می‌کنند؟! انتخایهایی بخش داستان جشنواره هوا را از ادبیات داستانی و ناشران و نویسندگان آن دریغ داشته است یا جریان منفعل سکولاری بی دغدغه حاکم بر دانشگاهها و محافل علمی که نه تنها پشت ادبیات متعهد را به لحاظ نظری خالی کرده بلکه عملاً با تیغ تئوری های اومانیستی در مقابل ادبیات متعهد صف ارایی کرده‌اند؟! آیا قلم زرین با انتخاب سالم ترین آثار داستانی حیات نویسندگان و ناشران متعهد را تهدید کرده است یا مجموعه برگزار کننده جایزه جلال ال احمد و کتاب سال و جشنواره هایی از این دست هستند که نشان دار ترین چهره های روشن فکری را در مقام هیئت علمی و داور به خدمت گرفته است و با برگزیدن آثار سیاه دفاع مقدس و سکولار بی تعهد تیشه به ریشه ادبیات متعهد زده و برای شبه نویسندگان روشفکر رزومه سازی می‌کنند؟ …

قلم زرین جشنواره ای متعهد به ارزشهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. در طول ادوار هفده گانه خود نیز تلاش داشته بر این مسیر استوار بماند چراغ خود را مزنه از خطا نیز نمی‌داند. اما تعبیر «جشنواره حاکمیتی» که در یادداشت جنوب محبی آمده، تعبیری دوپهلوی است که عموماً از سوی طعن زندگان جریان شبه روشنفکری بر مجموعه ها و نهادهای انقلابی استفاده می‌شود. جشنواره قلم زرین متفخر است اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی را سرلوحه فعالیت و انتخاب خود قرار داده است. قلم زرین در دفاع از این ارزشها نه مجامله کرده و نه مسامحه می‌کند. اما قطعاً در این مسیر مستقل عمل کرده و به هیچ نهاد یا ارگانی وابسته نبوده که گروه و نویسنده یا موسسه ای نان قرض نداده، ملاکهای اصیل خود را در انتخاب به کار می‌گیرد. در نقطه مقابل، جشنواره های شبه روشنفکری که شعار عوام فریبانه جشنواره های غیر حاکمیتی یا بر حاکمیتی را فریاد می‌زنند به شهادت تاریخ، بیشترین امکانات را از دولتهای وقت همسو با خود دریافت کرده و از امکانات مادی و معنوی که از آن سوی مرزها در اختیارشان قرار داده شده بهره برده اند. جشنواره قلم زرین بر خلاف ادعای دهان پر کن جشنواره های شبه روشنفکری که خود را جشنواره های مردمی و مورد حمایت نویسندگان و اهل ادبیات معرفی می‌کنند یکی از مردمی ترین جشنواره های ادبی کشور است. قلم زرین نه با ترکیبی از نویسندگان به تعدادشان از بخشهای مختلف تلاش می‌کنند، آثاری که احتمال موفقیت آنها در جشنواره می‌رود را جهت خرید تنظیم کنند. فرآیندی چون ناشران معتبر و حرفه ای، نویسندگان شناخته شده، گونه های ادبی پر مخاطب و پیشرو و هر فرینه معتبر دیگری که را را برای حضور آثار در مرحله بعد باز کند در این بخش لحاظ می‌شود. در مرحله بعد، آثار خریداری شده طی سه مرحله داوری می‌شود. مرحله برزش اولویه، مرحله داوری توسط دو اورد، که با تکمیل فرم های داوری همراه است. و مرحله سوم که در آن در صورت موافقت دو داور، داور سوم –و در شرایطی داور چهارم- آثار را مطالعه کرده درباره اثر نهایی گروه داوری و انتخاب نامزدها، تقدیری ها، برگزیده احتمالی گفتگو می‌شود. تمامی مراحل که با حضور داوران رقم می‌خورد با گفتگوهای جدی و فنی درباره اثر همراه بوده و صرف به نمرات برگه های ارزیابی آثار اکتفا نمی‌شود. داوران بخش داستان در اسرار برای دیده شدن حداکثری آثار داستانی منتشره در سال ۱۳۹۷، حتی خلاف رویه مرسوم در چنین جشنواره هایی که با اتمام مهلت فراخوان، اثری را به گردونه داوری وارد نمی‌کنند، تا اوایل خرداد پذیرای آثاری بودند. که توسط ناشران به دبیرخانه جشنواره ارسال شد. این همه، به انضمام حدوداً پنج ماه کار و صرف وقت برای خواندن هزاران صفحه داستان، همگی در جهت تأمین نتیجه قابل دفاع صورت گرفته است. لذا گروه داوری بخش داستان بزرگسال می‌تواند باطمینان ادعا کند و خوشنود باشد، بهترین های سال ۱۳۹۷ را که نزدیکترین فرآیت را با ادبیات متعهد انقلاب اسلامی دارد.

به مخاطبان جایزه قلم زرین معرفی کرده است. آقای حقی در یادداشت خود آورده است: «آیا می‌شود اسمال دوستان جسارت به‌خرج داده و اسم کتاب‌های بررسی شده و معدل کسب نموده از نظر آنها و ملاک این انتخاب را بیان کنند تا کمی راه نفس باز شود؟» همانطور که بیان شد به قطع هیچ کتابی از چشم داوران دور نمانده است و در یکی از مراحل داوری دیده شده است. همچنین گروه داوری بخش داستان بزرگسال امادگی دارد، ملاکهای خود را در داوری آثار به بحث گذاشته و از آنها دفاع کند. نگارنده متن که از حیث تجربه و سابقه کوچکترین عضو گروه داوری بوده است آثاری را در حوزه میانی ادبیات داستانی دفاع مقدس و فلسفه داستان منتشر کرده که گویای منظومه فکری این قلم است. ضمن اینکه مدعی خروج گروه داوری قلم زرین از حدود علمی باید در این زمینه اقامه دلیل کند. اما متن هر به یادداشت مورد اشاره تنها به اتهام زنی به جشنواره قلم زرین و طرح ادعاهای بی مبنا بسنده کرده اند. همچنین این برگه های ارزیابی و ریز نمرات هر یک از داوران در هیچ جشنواره ای از جمله قلم زرین مرسوم نبوده، بلکه معقول نیز به نظر نمی‌رسد. این نه به دلیل محافظه کاری یا غیر قابل بودن نتایج، بلکه بدان بسبب است که آنچه در نتیجه داوری می‌تعمین کننده است تنها نمرات نیستند. بلکه دلایلی و شواهد متنی و گفتگوهای اتقاعی دو یا سه طرفه در حقیقت، تکلیف آثار نهایی را روشن می‌کنند. طبعاً این استدالات و ادله و شواهد متنی هستند که در نقد و داوری تعیین

۷

شماره ۲۷۶۴

اخبار

جشنواره فامیل چتر خانواده به ایستگاه پایانی خود رسید

تقدیر از حلقه های برتر فامیلی در مراسم اختتامیه دومین جشنواره «فامیل چتر خانواده»

دومین جشنواره فامیل چتر خانواده که در ماه مبارک رمضان آغاز شده بود و تا پانزدهم تیر ماه ادامه داشت به خط پایان رسید و در روز یکشنبه ۲۳ تیر ماه با حضور پرشور خانواده ها و حلقه های فامیلی مشارکت کننده در جشنواره و همچنین مسئولان شهری و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران شاهد مراسم پایانی و اختتامیه خود خواهد بود.

به گزارش امتیاز، دومین جشنواره فامیل چتر خانواده که با هدف هدفمند کردن دور همی های خوبشاوندان و فعال کردن ظرفیتهای خانواده و اعضای فامیل و تشکیل گروههای همیار در زمینه تحکیم بنیان خانواده با مشارکت ۱۰ منطقه از مناطق تهران و با شعار شهر خدا شهر همدلی برگزار گردیدحلقه های فامیلی منتخب محروبت اجرایی برنامه های فرهنگی،مذهبی ،اجتماعی،ورزشی،علمی،روانشناختی و نظایر این توسط اوزر و حلقه های خوبشاوندی و فامیلی برگزارگردیدضمن جهت دادن به دور همی های اعضا فامیل زمینه مشارکت گسترده شهروندان را در برنامه های فرهنگی فراهم کرده است.

در مراسم جشنواره فامیل چتر خانواده ۲۲۰ حلقه فامیلی شامل ۱۵۰۰ خانواده بیش از ۲۲۰ پروژه اجرا کردند که ۱۱۸ پروژه منتخب گردید و در پایان ۱۰ پروژه بعنوان پروژه های برتر در مراسم اختتامیه با حضور سرحلقه های خود تجلیل و تقدیر خواهند شد.

در مراسم اختتامیه ضمن تجلیل از ۱۰ حلقه فامیلی برتر سه نفر ناظر و سه نفر تسهیگر نیز تجلیل خواهند شد و درعین حال با حضور سر حلقه های ۴۰۰ گروه فامیلی هدایایی به رسم یاد بود تقدیم خواهند شد.

در مراسم پایانی ضمن حضور پرشور گروهها و حلقه های فامیلی اکبر بختیاری دبیر جشنواره گزارش از روند اجرای جشنواره ارائه خواهد کرد. سخنرانی جناب آقای مهندس احدی ریاست محترم سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران،اجرای قطعاتی توسط رسول نجفیانی و محسن توسلی ،نماهنگ پروژه های حلقه های فامیلی ،بخش نماهنگ بمناسبت ولادت حضرت رضا (ع) و سایر بخشهای مراسم اختتامیه خواهد بود.

علاقه مندان می توانند برای کسب اطلاعات با تلفن ۵۵۴۲۳۳۲۳ تماس حاصل کنند.

اردوی یک روزه «دختر بابا» در فرهنگسرای امام(ره)

اردوی یکروزه «دختر بابا» بر اساس نقش مهم پدر در زندگی دختران به همت فرهنگسرای امام(ره) روز جمعه ۲۱ تیرماه برگزار می‌شود. **به گزارش امتیاز**،همزمان با دهه کرامت ویژه برنامه «دختر بابا» با هدف بالا بردن کیفیت رابطه دختر و پدر و آموزش نقش یک دختر در سبک زندگی اسلامی ایرانی در قالب اردوی یکروزه ویژه دختران ۱۲ تا ۱۵ سال برگزار می‌شود.

برگزاری برنامه‌های بانشاط و سرگرمی و برپایی مسابقات ورزشی و فرهنگی از بخش‌های این برنامه است و با رقابت بین گروه‌های مختلف، در پایان اردو به ۱۰ دختر و پدری که بیشترین امتیاز را کسب کرده باشند، نشان پدر و دختر موفق اهدا می‌شود. این برنامه از ۹ تیر تا ۹ شهریور ماه در مناطق ۲۰گانه شهر تهران برگزار می‌شود.

نخستین اجرای این برنامه روز جمعه ۲۱ تیرماه ساعت ۸ تا ۱۸ در فرهنگسرای امام(ره) که دبیر برگزاری این ویژه برنامه است، برگزار می‌شود. کارگاه ارتباط موثر دختران و پدران با حضور حجت‌الاسلام محمد دهبی در کنار بازی‌های گروهی چون فوتبال دستی، تیراندازی، هفت سنگ، الوار، طباب کشی، بیت بیت بال، اسم فامیل و… از بخش‌های دیگر این برنامه است.

علاقه‌مندان برای حضور در این اردو می‌توانند در نزدیک‌ترین فرهنگ‌سرا به محل سکونت خود نام‌نویسی کنند.

فرهنگسرای امام(ره) در میدان قدس (تجریش)، خیابان شهید باهنر، بعد از سه راه یاسر، خیابان امیرسلیمانی واقع شده است.

بررسی تبعات حقوقی توقیف نفتکش

ایران در تنگه جبل الطارق

امشب در برنامه «مجله حقوقی» از کانال آذری شبکه سحر ، جنبه های حقوقی و بین المللی توقیف کشتی نفتکش ایرانی در تنگه جبل الطارق توسط کشور انگلیس ، با حضور دو حقوقدان مورد بررسی قرار می گیرد.

به گزارش روابط عمومی معاونت برون مرزی رسانه ملی ، در این برنامه محمدرضا مهرفرازا با عنوان مجری از دو کارشناس مدعو برنامه به نام های دکتر احمد مومنی راد با عنوان استاد حقوق بین الملل دانشگاه تهران در استودیو و دکتر فرهاد مهدی ای فارغ التحصیل حقوق بین الملل از آمریکا ساکن شهر تکلیف از آذربایجان به صورت تلفنی خواهد پرسید:
توقیف این نفتکش همان گونه که درابتداء مقامات اسپانیایی بیان داشتند به دستور آمریکا و اجرای مقامات انگلیسی چه مفهومی دارد ، آیا کشوری می تواند بازوی اجرایی تحریم های کشور دیگری باشد ، در حالی که تحریم ها توسط آمریکا اعمال می شود، آیا کشوری خارج از اتحادیه اروپا ملزم به رعایت این تحریم هاست ، قوانین حاکم بر جبل الطارق از جنبه ابراهه بین المللی بودن چیست و اساسا مستندات ایران در استفاده از ظرفیت های بین المللی برای رفع توقیف نفتکش کدام است ، ایران در چه موقعیتی می تواند از اصل سلفه ذائقه غربی حرکت می کند .
واقعیت تلخ این روزهای ایران متعهد که نمونه هایی مشابه نیز برای آن قابل شمارش است، قرار گرفتن خبرگزاری مهر در تحت مدیریت مجموعه ای حاکمیتی چون سازمان تبلیغات اسلامی است. شنیده شدن و تبلیغ عملیات ادبیات داستانی شبه روشنفکری و سیاهی لشکر جریان تهاجم فرهنگی و طعن و ریشخند به جریان ادبیات متعهد در ناگاهی، غفلت، بی ارادگی یا سوء مدیریت، مدیران وقت سازمانها و نهادهای انقلابی بیماری مزمنی است که خسارت های فراوانی را بر جریان ادبیات متعهد وارد ساخته است

آذری شبکه سحر است.